

## مؤلفه‌های سبک زندگی دینی از دیدگاه مقام معظم رهبری

تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۲/۱۷

نوروز امینی\*

تاریخ تأیید مقاله: ۹۴/۷/۱۹

کوثر حلال‌خور\*\*

### چکیده

اندیشمندان، «سبک زندگی» را اغلب در دو حوزه شاخصه‌های نظری (ارزش‌ها و هویت) و شاخصه‌های عینی (مصرف و تفریح) مطالعه می‌کنند که مهم‌ترین این شاخصه‌ها، مصرف است. اما آیا در جامعه اسلامی که بر پایه ایمان به غیب و آخرت بنا شده، شاخصه‌های مصرف همان الگوهای غربی است؟ اگر چنین نیست، سبک زندگی در جوامع اسلامی با چه مؤلفه‌هایی مطالعه‌پذیر و مدیریت‌پذیر می‌شود؟ از آنجا که سبک زندگی ارتباطی وثیق با مقوله‌های فرهنگ، جامعه، اخلاق، ایدئولوژی، شخصیت، هویت، مصرف و نیاز دارد و از سویی، پذیرش منفعلانه و تثبیت سبک زندگی غربی با خاستگاه سکولار آن برای جوامع مسلمان، موجب از دست دادن هویت و استقلال شخصیتی می‌شود، مطالعه درباره مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی اهمیتی دوچندان می‌یابد. پژوهش حاضر، اصلی‌ترین مؤلفه‌های سبک زندگی دینی را از دیدگاه رهبری در پنج حوزه اندیشه، خلیات فردی، خانواده، خلیات اجتماعی و کسب و کار به روش توصیفی و تحلیلی دسته‌بندی و ارائه می‌کند.

**واژگان کلیدی:** مقام معظم رهبری، سبک زندگی ایرانی، اسلام، سبک زندگی دینی، الگوی مصرف.

\* عضو هیئت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم و دانشجوی دکتری دانشگاه تربیت مدرس تهران. Email: N.amini@modares.ac.ir

\*\* کارشناس تربیت معلم قرآن مجید؛ دانشکده علوم قرآنی خوی.

## ۱. طرح مسئله

سبک زندگی مجموعه‌ای از ارزش‌ها، طرز تلقی‌ها و سلیقه‌هاست که اغلب میان یک جمع ظهور می‌کند و شماری از افراد را صاحب نوعی سبک زندگی مشترک می‌سازد (مهدی‌زاده، ۱۳۹۰: ۵۷) و به آنها هویتی ویژه می‌بخشد (مهدوی کنی، ۱۳۸۷: ۴۶) و علاوه بر برآورده ساختن نیازهای انسان، روایت خاصی را هم که وی برای هویت شخصی خویش برمی‌گزیند، در برابر دیگران مجسم می‌سازد (شریفی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۷). لذا سبک زندگی نمایان‌گر بخش عملی زندگی و زاینده انتخاب‌گری انسان است. (فاضلی، ۱۳۸۲: ۵۷)

سبک زندگی می‌تواند یکی از راهکارهای شناخت خودی از بیگانه نیز تلقی شود؛ چرا که سبب می‌شود افراد همسو و غیرهمسو از هم متمایز شوند (شایگان، ۱۳۸۴: ۱۴) و دقیقاً بر همین اساس است که هانتینگتون<sup>۱</sup> موفقیت سیاسی و تداوم جامعه آمریکایی را - با وجود حضور افراد خارجی با اعتقادات و فرهنگ‌های متفاوت - تنها در پرتو هویت‌بخشی و در یک کلمه «آمریکایی‌سازی»<sup>۲</sup> آنها ممکن می‌داند؛ به این معنا که مردم، هر دین و مذهب و رنگ پوستی که دارند، فقط آمریکایی زندگی کنند (هادوی، ۱۳۹۱: ۴۲)؛ زیرا از آنجا که سبک زندگی، هویتی خاص به افراد و گروه‌ها می‌بخشد، می‌تواند در وحدت‌بخشی به افراد جامعه مؤثر باشد (توسلی، ۱۳۷۳: ۶۲). حال باید دید آیا داشتن هویت واحد، با وجود قومیت‌های گوناگون در کشور ما، برای ادامه حیات سیاسی و فرهنگی ملت ما نیز یک ضرورت است؟ پاسخ، مثبت است و در این میان، تنها عاملی که می‌تواند فارغ از قومیت‌ها و سلیقه‌ها، عامل وحدت همه سلايق شود، اسلامیت است. لذا به اقتضای اسلامی بودن جامعه ایران، سبک زندگی آن هم باید ایرانی - اسلامی شود.

از سوی دیگر، موضوع سبک زندگی معمولاً در دو حوزه شاخصه‌های نظری و عینی مطالعه می‌شود که در این میان، شاخصه‌های نظری آن را مطالعه ارزش‌ها و هویت و شاخصه‌های عینی آن را مطالعه الگوی مصرف و کالاهای مصرفی و الگوی تفریح تشکیل می‌دهد (مهدی‌زاده، ۱۳۹۰: ۵۸). با این وجود، مهم‌ترین شاخصه در مطالعات سبک زندگی، همان مصرف است (باینگانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۷). حال پرسش این است که آیا در جوامع

1. Huntington.

2. Americanization.





اسلامی، که بر خلاف جوامع غربی، ایمان به غیب، یکی از لوازم آن است، شاخصه‌های الگوی مصرف همان شاخصه‌ها و الگوهای حاکم بر جوامع غربی است؟ اگر چنین است، پس چرا از سبک زندگی اسلامی در مقابل سبک زندگی غربی سخن می‌گوییم؟ و اگر چنین نیست، سبک زندگی در جوامع اسلامی بر اساس چه مؤلفه‌هایی مطالعه‌پذیر و مدیریت‌پذیر می‌شود؟

## ۲. پیشینه نظری و عملی پژوهش

مسئله سبک زندگی از موضوعات نوظهور در مطالعات اجتماعی است. ظاهراً نخستین بار آلفرد آدلر<sup>۱</sup> در سال ۱۹۲۹، اصطلاح «سبک زندگی» را برای اشاره به شخصیت اصلی فرد که در دوران کودکی شکل گرفته و در بزرگسالی نیز واکنش‌ها و رفتار او را کنترل می‌کند، به کار برده است (باینگانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۴). پس از او با ورود این مفهوم به ادبیات جامعه‌شناسی، در آغاز این مفهوم به عنوان معرّف موقعیت و پایگاه اجتماعی افراد تلقی شد (همان: ۶۵)، اما پس از جنگ جهانی دوم و در آغاز دهه ۱۹۵۰ میلادی، در پی دگرگونی‌های وسیع در وضعیت تجاری کشورهای اروپایی و با افزایش صادرات آنها و در پی آن بهبود وضعیت رفاهی مردم و تغییر در میزان تقاضای خرید بین‌المللی و مصرف داخلی، توجه به مسئله سبک زندگی ابعاد دیگری یافت؛ تا جایی که در جوامع غربی «چگونه مصرف‌کننده بودن» از «چه جایگاهی داشتن» مهم‌تر شد (همان: ۶۶)؛ به بیان دیگر مصرف‌گرایی به دین جوامع مدرن تبدیل شد. (باکاک، ۱۳۸۱: ۳)

از دهه ۱۹۸۰ با فرایند روبه‌فزونی «فردگرایی» از یک طرف و رشد طبقه متوسط جوامع و افزایش افراد تحصیل‌کرده‌ای که آشکارا به سوی اوقات فراغت، سرگرمی و مصرف‌گرایی داشتند، از سوی دیگر و نیز با افزایش بحث‌های دانشگاهی و علمی درباره پست‌مدرنیسم که ظهور ارزش‌ها، نگرش‌ها و سبک‌های زندگی جدید در آن نقشی اساسی دارد، مقوله سبک زندگی نیز وارد فاز جدیدی شد و به مثابه مفهومی که نشان‌دهنده رویکرد تحلیلی تازه‌ای به مبحث قشربندی و تمایز اجتماعی بود، در ادبیات علوم اجتماعی مطرح شد (فاضل قانع، ۱۳۹۱: ۱۲). اندیشمندانی نظیر گیدنز<sup>۲</sup> و فدرستون<sup>۳</sup> سبک زندگی را شکل اجتماعی نوینی می‌دیدند که صرفاً در بطن تحولات فرهنگی

1. Alfred Adler.  
2. Giddens.  
3. Featherstone.

دنیای مدرن و رشد فرهنگ مصرف‌گرایی، استقلال عمل فردی و آزادی‌های افراد برای انتخاب قابل فهم است و می‌تواند فرایند هویت‌بخشی به فرد را انجام دهد و جایگزینی برای مفهوم طبقه اجتماعی باشد (باینگانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۷). امروزه اندیشه‌های مدرن و پست‌مدرن با مقوله مصرف و سبک زندگی پیوندی عمیق یافته و اندیشمندان این حوزه‌ها معتقدند که در تحلیل‌های جدید باید به مصرف و سبک زندگی توجهی ویژه مبذول داشت. (مهدی‌زاده، ۱۳۹۰: ۵۷)

درباره سبک زندگی در ایران و در دوره پس از انقلاب، باید گفت جامعه ایرانی نیز به لحاظ فرهنگی و اجتماعی، بسیار متنوع است. در واقع با پایان یافتن جنگ تحمیلی کم‌کم شاهد تأثیرپذیری بیشتر مردم از جریان‌های جهانی و تحولات بین‌المللی بوده‌ایم و این امر به تدریج بر سبک زندگی مردم نفوذ کرده، باعث ظهور جامعه مصرفی و شیوه‌های زندگی جدید شده است. (باینگانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۹)

سبک زندگی دینی و اسلامی به تبع بحث سبک زندگی، از مباحث جدید در علوم اجتماعی است. بر این اساس، هم از جهت نظری و هم تحقیقاتی، پیشینه‌ای چندان قوی ندارد؛ به ویژه در موضوع سبک زندگی اسلامی که معدودی کتاب و چند مقاله، همه داشته‌های ما در این حوزه را شامل می‌شود.

### ۳. ضرورت و اهمیت مسئله

در طول تاریخ اقتضات زندگی مدرن به تدریج شرایطی را پدید آورد که دانشمندان علوم اجتماعی بیش از پیش به الگوهای خاصی برای زندگی اندیشیدند. شرایطی از قبیل کار، تولید، انباشتگی کالاهای مصرفی و فراهم شدن اوقات فراغت بیشتر برای بخش زیادی از بدنه اجتماع در قرن بیستم، الگوهای خاصی از کار، مصرف و گذراندن اوقات فراغت را به وجود آورد (فاضل قانع، ۱۳۹۱: ۱۰). از این رو، سبک زندگی ارتباطی وثیق با مقوله‌های فرهنگ، جامعه، رفتار، اخلاق، ایدئولوژی، شخصیت، هویت، تولید، مصرف، سلیقه و نیاز دارد. حاصل این رویکرد نیز تلاشی گسترده برای ترویج و تثبیت سبک خاصی از زندگی است که خاستگاه آن فرهنگ سکولار غربی است. پذیرش منفعلانه این سبک از زندگی برای جوامع مسلمان، نه تنها شایسته نیست، بلکه آثار زیانبار بسیاری، چون از دست دادن هویت و استقلال شخصیتی را دارد. از این رهگذر است که می‌توان ضرورت مسئله سبک زندگی را به وضوح تبیین کرد.

پژوهش حاضر در صدد است تا پاسخ مهم‌ترین مسائل مطرح‌شده در سطور پیشین را با تأکید بر بیانات رهبری ارائه کند. در این راستا، پس از بحثی مقدماتی دربارهٔ مفاهیم «سبک زندگی» و «سبک زندگی دینی»، اصلی‌ترین مؤلفه‌های سبک زندگی دینی از دیدگاه رهبری - به عنوان سکندار حکومت اسلامی در عصر حاضر - در پنج حوزهٔ بینش‌ها و جهان‌بینی، الگوهای رفتاری فردی، خانواده (ارزش‌ها و ترجیحات)، روابط اجتماعی و کسب و کار (جنبه‌های عینی سبک زندگی) دسته‌بندی و ارائه شده است. روش تحقیق، آمیخته‌ای از توصیف و تحلیل است؛ شالودهٔ اصلی بحث بر بیانات مقام رهبری استوار است، اما به فراخور موضوعات مطروحه، از تحلیل‌های متنی، دینی و اجتماعی نیز بهره گرفته شده است.

## ب) تعاریف و اصطلاحات پژوهش

### ۱. سبک زندگی

سبک زندگی به مجموعه رفتارها، مدل‌ها و الگوهای کنش‌های فرد اطلاق می‌شود که معطوف به ابعاد هنجاری، رفتاری و معنایی زندگی اجتماعی او باشد و نشان‌دهندهٔ کم و کیف نظام باورها و کنش‌ها و واکنش‌های فرد و جامعه است. (آجیلی و بیگی، ۱۳۹۲: ۸۸) دانشمندانی چون ماکس وبر<sup>۱</sup> و زیمل<sup>۲</sup> در سال‌های پایانی قرن بیستم، از مجموعه‌ای از رفتارها سخن گفتند که فرد یا گروه بر اساس انگیزه‌های درونی خود و در راستای تلاش برای ایجاد توازن میان شخصیت ذهنی و زیست محیط عینی خود برگزیده است (فاضل قانع، ۱۳۹۱: ۱۲). دگرگونی‌های گسترده در قرن بیستم، چرخش رویکرد جامعه‌شناسان را در تحلیل‌ها از مقولهٔ تولید به مصرف و از اقتصاد به حوزهٔ فرهنگ موجب شد. همین امر سبب شد به تدریج تحلیل‌ها عوض شده، مفهوم «سبک زندگی» جایگزین مفهوم «طبقه» و مشتقات آن شود. در این وضعیت اجتماعی، افراد فارغ از تعلقشان به یک طبقهٔ خاص، می‌کوشند تا با اتخاذ الگوهای رفتاری خاص، به ویژه در حوزهٔ مصرف، هویتی دلخواه از خویشتن تعریف کنند. این امر نشان می‌دهد سبک زندگی ناشی از فرایند جامعه‌پذیری و آموزش و متأثر از موقعیت فرد در محیط اجتماعی است. لذا



1. Max Weber.

2. Simmel.

اندیشمندان در مطالعه سبک زندگی، به تدریج از رفتارهای عینی به سوی جنبه‌های ذهنی‌تر زندگی مثل نگرش‌ها و گرایش‌ها سوق یافتند (گیدنز، ۱۳۸۷: ۱۲۰)؛ زیرا در ورای بسیاری از رفتارهای انسان، طرز تلقی او از هویت اوست که خودنمایی می‌کند. بر این اساس «سبک زندگی»، مجموعه‌ای نسبتاً هماهنگ از همه رفتارها و فعالیت‌های یک فرد معین در جریان زندگی روزمره است که مستلزم مجموعه‌ای از عادت‌ها و جهت‌گیری‌ها و بنابر این، برخوردار از نوعی وحدت است. (همان: ۱۲۱)

امروزه این اصطلاح، کاربرد گسترده‌ای یافته و دامنه وسیعی از امور عینی و ذهنی را، اعم از الگوهای روابط اجتماعی، سرگرمی، مصرف، مد و پوشش شامل می‌شود و حتی نگرش‌ها، ارزش‌ها و جهان‌بینی فرد و گروهی را که فرد عضو آن است، نیز بازمی‌نمایاند (باینگانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۷). اما آنچه با سبک زندگی پیوندی عمیق یافته، «مصرف» در تمام ابعاد و جنبه‌های آن است. بحث از سبک‌های زندگی در جامعه‌ای موضوعیت دارد که مصرف انبوه و فرهنگ مصرف‌گرایی در آن وجود دارد. این مصرف‌گرایی در جامعه‌ای رخ می‌دهد که در آن فزونی کالاهای مادی وجود دارد (همان)؛ پدیده‌ای که در عصر کنونی شاهد آن هستیم و همان‌گونه که گیدنز معتقد است، افراد در جامعه کنونی بیش از آنکه با دیگر انسان‌ها سر و کار داشته باشند، در محاصره اشیا هستند (گیدنز، ۱۳۸۷: ۱۲۱) و از آنجا که هر مصرفی نیازمند قدرت خرید است، لذا باید سبک زندگی را در جوامعی جستجو کرد که در آن قدرت خرید باشد. از همین رو، عده‌ای معتقدند سبک زندگی در فرهنگ‌های سنتی رواج چندانی ندارد؛ زیرا مستلزم گزینش از میان تعداد زیادی انتخاب‌های پیش‌روست و این امکان در جوامع پیشامدرن وجود نداشت. (همان)

در مجموع، در تعریفی کلی از سبک زندگی می‌توان گفت که سبک زندگی مجموعه‌ای نسبتاً هماهنگ و منسجم از کلیه امور عینی و ذهنی زندگی فرد یا گروه است. این امور می‌تواند شامل دارایی‌ها، الگوهای رفتاری، روابط اجتماعی، مصرف، فعالیت‌های فراغتی و سرگرمی، پوشش و مدیریت بدن، نحوه غذا خوردن و دکوراسیون منزل و ... باشد که امور و رفتارهایی بیرونی و قابل مشاهده‌اند. همچنین می‌تواند در برگیرنده بینش‌ها (ادراکات، اعتقادات و جهان‌بینی) و گرایش‌ها (ارزش‌ها و ترجیحات) و ... باشد که رفتارهایی درونی و ذهنی‌اند. (برای مشاهده تعاریف مختلف و تحلیل‌های موجود پیرامون آنها، رک: باینگانی و همکاران، ۱۳۹۲)



## ۲. سبک زندگی دینی

در یک نگاه کلی و در نسبت انسان، دنیا و جهان آخرت، سه نوع سبک زندگی کلی را می‌توان برای انسان متصور شد. نخست، سبک زندگی راهبانه که در آن، ترک دنیا و لذایذ آن اساس اندیشه را تشکیل می‌دهد. این نگاه را شاید در غرب دوران قبل از رنسانس بتوان به صورت جدی مشاهده کرد. سبک زندگی دوم، سبک فلسفی کامجویانه از دنیاست که هیچ اعتقادی به آخرت ندارد و هدف انسان را کامجویی از دنیا قلمداد می‌کند و شاید سبک زندگی حاکم بر غرب کنونی همین دیدگاه باشد. دیدگاه سوم، دیدگاه اسلامی است که هم دنیا و هم آخرت را توأمان مد نظر دارد و یکی را پلی برای رسیدن به دیگری قلمداد می‌کند (شریعتی، ۱۳۹۲: ۱۰). پس می‌توان گفت که سبک زندگی دینی، مجموعه‌ای نسبتاً هماهنگ و منسجم از کلیه امور عینی و ذهنی زندگی فرد یا گروه است که در آن باور به جهان آخرت، به عنوان غایت خلقت و نگاه به دنیا، به عنوان پلی برای رسیدن به سعادت جاویدان اخروی، بن‌مایه همه بینش‌ها و گرایش‌هاست و به همه رفتارها و انتخاب‌های فرد و گروه، جهت می‌دهد.

## ۳. مفهوم سبک زندگی دینی از دیدگاه رهبری

از دیدگاه مقام رهبری، سبک زندگی در حقیقت همان «عقل معاش» است (دیدار جوانان، ۱۳۹۱/۷/۲۳) که در روایات از آن سخن رفته است. این موضوع در حقیقت؛ «نرم‌افزار تمدن اسلامی» است (همان). ایشان دو سبک کلی را برای زندگی تعریف کرده‌اند: سبک زندگی غیر توحیدی، که در آن تعالیم مکاتب مادی در صدر است و مفاهیم مصرف‌گرایی، لذت‌گرایی و عرفی بودن دین حاکم است و سبک زندگی توحیدی، که در آن دستورات الهی در صدر است و سیاست، فرهنگ و اقتصاد از این مفاهیم تأثیر می‌پذیرد. (همان)

## ج) مؤلفه‌های سبک زندگی دینی از دیدگاه رهبری

به طور کلی مؤلفه‌های سبک زندگی را در اندیشه رهبری می‌توان در پنج حوزه کلی ترسیم کرد که هر یک از این حوزه‌ها دارای مؤلفه‌هایی است که خطوط کلی زندگی یک مسلمان را ترسیم می‌کنند.

۱. مؤلفه‌های سبک زندگی دینی در حوزه فکر و اندیشه از دیدگاه رهبری  
بی‌شک فکر و اندیشه هر انسانی، مهم‌ترین سرمایه اوست و در سطح کلان نیز تفکر

و نحوه باورهای حاکم بر هر جامعه‌ای، تعیین‌کننده خط و مشی مردم آن است. از دیدگاه رهبری، مسائلی چون: ایمان، علم، دوری از تقلید صرف و توجه به ارزش‌ها از مهم‌ترین مؤلفه‌های این حوزه است.

### یک) ایمان

«ایمان تابع تعریف انسان از زندگی و هدف آن است. رفتار اجتماعی و سبک زندگی، تابع تفسیر ما از زندگی است: هدف زندگی چیست؟ هر هدفی که ما برای زندگی معین کنیم، به طور طبیعی، متناسب با خود، یک سبک زندگی به ما پیشنهاد می‌کند... باید هدفی را ترسیم کنیم و بدان ایمان بیاوریم... بر اساس این ایمان، سبک زندگی انتخاب خواهد شد» (بیانات در دیدار جوانان، ۱۳۹۱/۷/۲۳). ایشان تبیین هدف زندگی و ترسیم اهداف والا برای زندگی را از جوانان کشور می‌خواهند. (بیانات در دیدار جوانان، ۱۳۷۷/۲/۷)

بین بالا بودن ایمان و رضایت از زندگی، حتی در جوامع غربی، ارتباط مستقیم وجود دارد. از دیدگاه رهبری، افرادی دارای سلامت روانی هستند که دو ویژگی داشته باشند: از زندگی خود راضی باشند، دیگران از رفتار و اندیشه آنها احساس رضایت کنند. سلامت روانی نیز باید دست‌کم در سه زمینه مشهود باشد: شغل فرد، ارتباطات اجتماعی و ارتباط با خانواده. ایمان با توجه به تأثیرات متنوع و گسترده‌ای که بر ذهن انسان دارد، قیافه جهان را در نظر انسان تغییر می‌دهد و جهان سرد مادی را به جهانی جاندار و آگاه تبدیل می‌کند. روشندلی، امیدواری به نتیجه خوب، آرامش خاطر، دوری از گناه، یاری خدا، استقامت و پایداری، عدم ترس و خوف، عدم شک و دودلی و داشتن ثبات و برخورداری از لذات معنوی، مهم‌ترین آثار ایمان در راستای نیل به سلامت روانی است. (بیانات در دیدار مردم رفسنجان، ۱۳۸۴/۴/۱۸)

### دو) علم و آگاهی

«علم؛ عامل عزت، قدرت و امنیت ملت است» (بیانات در دیدار نخبگان جوان، ۱۳۸۶/۰۶/۱۲). «کشوری که دستش از علم تهی است، نمی‌تواند توقع عزت، استقلال، هویت و شخصیت، امنیت و رفاه داشته باشد». (همان). رهبری، نقش علم را حتی در ساده‌ترین امور زندگی، مثل آرایش و پوشش نیز پررنگ قلمداد می‌کنند: «من می‌خواهم بگویم اگر شما موی سرتان را می‌خواهید آرایش کنید، لباس بپوشید، سبک راه رفتن را تغییر دهید، بکنید؛ اما خود انجام دهید؛ از دیگران یاد نگیرید» (بیانات در دیدار جوانان همدان، ۱۳۸۳/۰۴/۱۷).





## سه) پرهیز از تقلید

یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های رهبری، تلاش برای ساختن نسلی است که از تقلید کورکورانه دور باشند: (بیانات در دیدار جوانان، ۱۳۹۱/۷/۲۳). «تقلید از غرب برای کشورهایی که این تقلید را برای خودشان روا دانستند و عمل کردند، جز ضرر و فاجعه به بار نیاورده؛ ... فرهنگ غرب، یک فرهنگ مهاجم و نابودکننده فرهنگ‌هاست. هر جا غربی‌ها وارد شدند، فرهنگ‌های بومی را نابود کردند، بنیان‌های اساسی اجتماعی را از بین بردند؛ تا آنجایی که توانستند، تاریخ ملت‌ها را تغییر دادند» (بیانات در دیدار مردم بیجار، ۱۳۸۸/۰۲/۲۸).

ایشان با تبیین ابعاد مختلف تهاجم فرهنگی می‌فرمایند: «من که می‌گویم تهاجم فرهنگی، عده‌ای خیال می‌کنند مراد من این است که مثلاً پرسی موهایش را بلند کند. ... تهاجم فرهنگی بزرگ‌تر این است که اینها در طول سالهای متممادی به مغز ایرانی و باور ایرانی تزریق کردند که تو نمی‌توانی؛ باید دنباله‌رو غرب و اروپا باشی. نمی‌گذارند خودمان را باور کنیم. الان شما اگر در علوم انسانی یا پایه، یک نظریه علمی داشته باشید، خلاف نظریات رایج و نوشته‌شده دنیا، عده‌ای می‌ایستند و می‌گویند حرف شما ... مخالف با نظریه فلانی است؛ یعنی آن‌طوری که مؤمنین نسبت به قرآن و کلام خدا و وحی الهی اعتقاد دارند، اینها به نظرات فلان دانشمند اروپایی همان اندازه یا بیشتر اعتقاد دارند» (بیانات در دیدار جوانان همدان، ۱۳۸۳/۰۴/۱۷). آنگاه تفاوت تعامل و تهاجم فرهنگی را این‌گونه بیان می‌کنند: «تعامل فرهنگی مثل این است که شما بر سر بساط میوه یا غذا و سبزی فروشی می‌روید و آنچه را که میل‌تان می‌کشد و با مزاجتان مساعد است، انتخاب می‌کنید و می‌خورید. در عالم فرهنگ هم همین است که آنچه دیدید و پسندیدید و مناسب خود دانستید و در آن ایرادی مشاهده نکردید، از مجموعه و ملت دیگر می‌گیرید؛ هیچ اشکالی هم ندارد ... در تهاجم فرهنگی به شما نمی‌گویند انتخاب کن، بلکه شما را می‌خوابانند، دست و پایتان را می‌گیرند و ماده‌ای را که نمی‌دانید چیست، ... با آمپول به شما تزریق می‌کنند» (بیانات در دیدار دانشجویان قزوین، ۱۳۸۲/۰۹/۲۶). از دیدگاه رهبری اگر انسان از بند تقلید رهایی یابد، عنصری می‌شود که مثل یک ستون، سقف مدنیت کشور و تمدن حقیقی ملت بر روی آن قرار می‌گیرد. (بیانات در دیدار جوانان و فرهنگیان رشت، ۱۳۸۰/۰۲/۱۲).

## چهار) توجه به نمادهای دینی

نمادها نوعی علامت است که بر اساس یک اندیشه یا احساس، ظهور و در فضای

رفتاری، تأثیر خاصی ایجاد می‌کند. در اصل، نمادها که هویت بصری دارند، ابزار ارتباط ذهنی می‌شوند و به مرور، انفکاک و جداسازی فرد از نماد مشکل می‌شود. نمادها می‌توانند به مرور زمان بر اثر توجه، انسان را به سوی فضای مثبت یا منفی سوق دهند و این مطلب در حوزه دین به فراوانی یافت می‌شود. از دیدگاه رهبری، در حوزه دینی، «شعائر» چنین فرایندی را در انسان ایجاد می‌کنند. دقت در رعایت شعائر و احترام و التزام به آنها، نشان از اثری است که فراتر از فضای مادی است. «مطلقاً نباید نشانه‌های اسلامی را تضعیف کرد: «وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ» (حج: ۳۲). بعضی‌ها به اسم اینکه ما اهل ریا نیستیم و نمی‌خواهیم تظاهر کنیم، شعائر اسلامی، علامت‌های اسلامی، رفتار اسلامی و پرچم‌های اسلامی را از زندگی خودشان و مردم جمع می‌کنند. بنده مطلقاً این را توصیه نمی‌کنم.» (بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۴/۰۶/۰۸).

«می‌گویند چرا ماتم و اشک را در بین مردم رواج می‌دهید؟ این ماتم و اشک برای ماتم نیست، برای ارزش‌هاست. آنچه پشت سر این عزاداری‌ها، بر سر و سینه زدن‌ها وجود دارد، عزیزترین چیزهایی است که در گنجینه بشریت ممکن است وجود داشته باشد؛ او همان ارزشهای معنوی الهی است.» (بیانات در دیدار مردم قم، ۱۳۸۶/۱۰/۱۹)

### پنج) توجه به ارزش‌های فرهنگی و تاریخی

توجه به مقوله ارزش‌ها در شکل‌گیری تفکر انسان‌ها نقشی اساسی دارد. مقام رهبری این مقوله را در چند بخش تبیین فرموده‌اند:

**– معماری اسلامی:** پیش از آنکه بنایی ساخته شود، بنا اسیر انسان است؛ اما پس از ساخت، انسان اسیر ساختمان است. به همین جهت، اگر در مرحله طراحی بر اساس فرهنگ خودی نقشه‌ای را طراحی کنیم، میان فرهنگ ما و فرهنگی که ساختمان بر ما تحمیل می‌کند، تناقضی پیش نخواهد آمد؛ اما اگر معماری بر اساس فرهنگ بیگانه و غیر خودی ساخته شود، میان فرهنگ ما و فرهنگ ساختمان، تناقض پیش خواهد آمد. این تناقض در آغاز، مشکل‌ساز است؛ اما به مرور از فرهنگ فرد حساسیت‌زدایی شده، فرهنگ ساختمان چیره می‌شود. از دیدگاه رهبری، مهم‌ترین عنصر در معماری اسلامی، عنصر حیاست؛ تا جایی که ساختمان در معماری اسلامی به گونه‌ای طراحی می‌شود که حتی در صورت باز بودن در، اندرون خانه از بیرون قابل رؤیت نباشد. (بیانات در دیدار اعضای



توجه به نمادهای بصری و جلوه‌های ظاهری در شهر، یکی از مهم‌ترین تأکیدات رهبری است؛ تأکیدی که در بر دارنده اهمیت پرداختن به شکل و چگونگی اجرای پروژه‌های عمرانی و پارامترهای معماری شهری متناسب با فرهنگ اسلامی شهروندان ایرانی می‌باشند (پیام آغاز به کار سومین دوره شوراهای اسلامی شهر و روستا، ۱۳۸۶/۰۲/۰۸). شهر به عنوان لباس تمدن باید مملو از ظواهر و ارزش‌های تاریخی تمدن خود باشد. شهر باید نمونه‌اعلای هنر و فرهنگ ایرانی- اسلامی و سرشار از معنویت نهفته در ارزش‌های دینی ایرانیان باشد (پیام آغاز به کار شوراهای اسلامی شهر و روستا، ۱۳۷۸/۰۲/۰۸) و نمادهای انقلاب در معماری‌ها مشاهده شود. (بیانات در دیدار مردم قم، ۱۳۸۹/۰۸/۱۸). «در شهرک‌سازی‌ها علاوه بر اهمیت دادن به ساخت مسجد، حتماً باید امکانات رفاهی، امنیتی و آموزشی مناسب برای آنها در نظر گرفته شود». (بیانات در دیدار مسئولان وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۷۹/۰۳/۲۵)

**- توجه به زبان:** زبان فارسی میراث فرهنگی ایرانیان است و رهبری با درک این مطلب از مانع‌تراشی دشمنان در پیشرفت این عنصر فرهنگی ایرانیان پرده برمی‌دارند (بیانات در دیدار با فرهنگیان کرمان، ۱۳۸۴/۰۸/۱۲). «من معتقدم یکی از کانال‌های کاملاً مطمئن فرهنگی ما، زبان فارسی است.» (بیانات در دیدار اعضای شورای عالی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، ۱۳۸۰/۱۱/۱۷) «کنون زبان فارسی بهترین حامل و رسانه برای معارف، افکار، نوآوری و تمدن عمیق اسلامی محسوب می‌شود» (بیانات در دیدار اعضای دومین مجمع بین‌المللی زبان فارسی، ۱۳۷۷/۱۲/۱۲). ایشان در ترسیم چشم‌انداز در این راستا می‌فرمایند: «آن روزی را باید دنبال کنیم که اگر در دنیا دانشمندی خواست یک نظریه علمی را بفهمد، بشناسد، حل کند و با یک اختراع آشنا شود، مجبور شود زبان فارسی را یاد بگیرد» (بیانات در دیدار گروهی از مخترعان و نوآوران جوان کشور، ۱۳۸۴/۰۱/۳۰). «ما احتیاج داریم که در کشورهای اسلامی به نحوی، در کشورهای فرنگی به نحوی و بقیه کشورهای دارای تمدن‌های قدیمی به نحوی، تشخص فرهنگی و هویتی خودمان را تبیین و ابعاد آن را روشن کنیم. این کار ابزارهایی دارد که زبان فارسی یکی از این ابزارهاست.» (بیانات در دیدار رایزانان فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۳/۰۵/۲۱) «در صد سال اخیر تلاش حساب‌شده‌ای علیه زبان فارسی از هند آغاز شد ... و حرکت‌های گسترده‌ای برای محدود کردن زبان فارسی به عمل آمد. اما در عین حال، زبان فارسی با استواری و قدرت تمام پابرجا باقی مانده است.» (بیانات در دیدار جمعی از استادان ادبیات فارسی در کشورهای مشترک‌المنافع، ۱۳۷۲/۱۱/۱۸)



**- توجه به تاریخ:** یکی دیگر از عناصر فرهنگی هر ملتی، تاریخ آن ملت است. «دهها سال دشمنان این ملت سعی کرده‌اند شناسنامه‌های تاریخی ما را پاره کنند، ... ما را با یک ملت بی‌ریشه اشتباه گرفتند؛ ... یک عده هم از میان خود ما متأسفانه فریب خوردند، قضاوت دشمن را درباره ملت ایران و درباره مردم ایران پذیرفتند» (بیانات در دیدار مردم یزد، ۱۳۸۶/۱۰/۱۲). ایشان هویت ملی را که از تاریخ و فرهنگ هر کشور نشأت می‌گیرد، اساس همه پیشرفت‌ها می‌دانند: «اساس تحول باید بر ملاحظه عناصر اصلی هویت ملی قرار داده شود، که آرمان‌های اساسی و اصولی، مهم‌ترین آنهاست. ... اگر یک کشوری همه پیشرفت‌ها را داشت، اما .. از گذشته و تاریخ خود هیچ بهره‌ای نداشت و نبرده بود، این کشور مطلقاً پیشرفت نخواهد کرد؛ زیرا هویت ملی، اساس هر پیشرفتی است.» (بیانات در دیدار دانشگاهیان سمنان، ۱۳۸۵/۰۸/۱۸)

### شش) الگوگیری از اهل بیت (ع)

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی، بازخوانی سبک زندگی پیشوایان و انبیای الهی است. مقام رهبری می‌فرماید: «خدای متعال به ما مسلمانان دستور داده است که از پیامبر (ص) تبعیت کنیم. ... جامعه اسلامی ما آن وقتی به معنای واقعی کلمه جامعه اسلامی کامل است، که خود را بر رفتار پیامبر (ص) منطبق کند» (خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۰/۰۷/۰۵). ایشان حتی در بعد حکومتی نیز بر این باورند که حاکمان باید الگویی داشته باشند و بهترین الگو، حکومت علوی است (خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۸۰/۰۹/۱۶).

### ۲. مؤلفه‌های سبک زندگی دینی در حوزه خلیقات فردی از دیدگاه رهبری

دومین حوزه از حوزه‌های پنج‌گانه مورد تأکید مقام رهبری در سبک زندگی اسلامی، خلیقات فردی است که در این زمینه به مؤلفه‌های تأثیرگذار ذیل اشاره فرموده‌اند:

#### یک) لباس و پوشش

در هر جامعه‌ای، نوع و کیفیت لباس زنان و مردان علاوه بر اینکه تابع شرایط اقتصادی، اجتماعی و اقلیمی است، تابع جهان‌بینی و ارزش‌های حاکم بر آن جامعه هم می‌باشد. مقام رهبری درباره ضرورت توجه به این مقوله می‌فرماید: «بنده زمان ریاست جمهوری در شورای عالی انقلاب فرهنگی قضیه طرح لباس ملی را مطرح کردم و گفتم بیایید یک لباس ملی درست کنیم؛ ... من و شما که ایرانی هستیم، لباسمان چیست؟ ... البته من نمی‌گویم طرح این لباس حتماً باید برگردد به لباس پانصد سال



قبل؛ من می‌گویم بنشینید برای خودتان یک لباس طراحی کنید» (بیانات در دیدار جوانان همدان، ۱۳۸۳/۰۴/۱۷). ایشان با اشاره به طرح‌های دشمن در این زمینه می‌فرمایند: «کشف حجاب، از بین بردن آن حائل و فاصله‌ای است که در اسلام میان دو جنس قرار داده شده است- که این برای سلامت زن و سلامت مرد است؛ برای سلامت جامعه است تا همان بلایی که بر سر زن در جوامع غربی آمد، بر سر زن مسلمان ایرانی بیاورند» (بیانات در دیدار مردم قم، ۱۳۸۶/۱۰/۱۹). «در دنیا، سررشته فرهنگ دست عده‌ای است که آنها چگونگی لباس و پوشش و کیفیت زندگی و ... اخلاق و معرفت را برای انسانهای بی‌گناه و بی‌خبر در سرتاسر عالم رقم می‌زنند. اگر ملتی بتواند خود را از سرایت موج مسموم فرهنگی ساخته و پرداخته بیگانگان حفظ کند، این ملت مستقل خواهد بود؛ اما اگر نتواند، این ملت، ملتی وابسته و اسیر است». (بیانات در دیدار اقبشار مختلف مردم، ۱۳۶۸/۰۹/۱۵)

### دو) خوراک و آشپزی

ضرورت توجه به این مقوله در قرآن نیز مورد تأکید است: «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ» (عبس: ۲۴). مقام رهبری نیز شیوع بیماری‌های بی‌درمان و صعب‌العلاج و شیوع مرگ و میرهای ناگهانی و سخته را نتیجه دوری از اصول تغذیه اسلامی و سبک زندگی دینی می‌داند. به باور ایشان، بسیاری از انحرافات اخلاقی غیر قابل کنترل نیز می‌تواند حاصل دوری از اصول اساسی تغذیه در مکتب اسلام باشد، که باید هزینه‌های سنگین آن را بپردازیم، در حالی که همین هزینه را می‌توان در راه توسعه رفاه عمومی و فرهنگی مصرف کرد. در اقتصاد مقاومتی این نوع نگاه مهم است که برای کاستن از هزینه‌های زاید باید دنبال راهکارهایی بود. یکی از بهترین راهکارها، توجه به اصول تغذیه است. (بیانات در دیدار جوانان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳)

### سه) سفر و تفریح

چگونگی گذراندن اوقات فراغت تا حدود زیادی می‌تواند نشان‌دهنده ویژگی‌های فکری فرد و ویژگی‌های فرهنگی جامعه‌ای باشد که فرد در آن زندگی می‌کند. «... باید بتوان خواسته‌های جوانان و نوجوانان را مدیریت کرد و تفریحات سالم متناسب با گروه سنی‌شان را به آنان معرفی کرد. هر تفریحی که به حرام خدا نینجامد، تفریح سالم است.» (همان). «درس خواندن، پاکدامنی و پرهیز از سرگرمی‌های عاطل و باطل، جزء وظایف جوان‌هاست.» (بیانات در دیدار اعضای انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان، ۱۳۸۳/۱۲/۲۴). ایشان

جوانان را از اسراف حتی در این حوزه از زندگی نیز برحذر می‌دارند و می‌فرمایند: «کسانی هستند که حتی در کارهای تفنّنی و تفریحی خودشان هم اسراف می‌کنند. مثلاً به خارج از کشور مسافرت می‌کنند... در این کشور به این بزرگی، خیلی‌ها همین تفریح و تفرّج را هم نمی‌توانند بکنند. بعضی‌ها تا دستشان به دهانشان می‌رسد، برای تفریح و تفرّج خودشان یا خانواده‌هایشان، به فلان کشور خارجی می‌روند. اینها اسراف قطعی و حرام است.» (خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۷/۱۰/۰۴)

### چهار) اصلاح الگوی مصرف

رهبر انقلاب، ضمن تشریح زمینه‌های تغییر و تحول جدّی در جامعه و با اشاره به موضوع «اسراف‌های شخصی و عمومی» و مصرف بی‌رویه منابع کشور، مسئولان قوا و مردم را به برنامه‌ریزی و حرکت در مسیر اصلاح الگوی مصرف دعوت کردند. فهم الگوی مصرف، آسیب‌شناسی و بهینه‌سازی آن، با در نظر گرفتن سبک زندگی طبقات مختلف جامعه میسر می‌شود. (سخنرانی در حرم رضوی، ۱۳۷۴/۰۱/۰۴). ایشان اشرافی‌گری و مصرف بی‌رویه را یک بیماری (بیانات در دیدار مردم یزد، ۱۳۸۶/۱۰/۱۲) و دارای تبعات منفی فرهنگی برای کشور می‌دانند (سخنرانی در حرم رضوی، ۱۳۸۸/۰۱/۰۱) و می‌فرمایند: «صرفه‌جویی به معنای مصرف نکردن نیست؛ به معنای ضایع نکردن مال، مصرف را کارآمد و ثمربخش کردن است.» (همان)

### ۳. مؤلفه‌های سبک زندگی دینی در حوزه خانواده از دیدگاه رهبری

اهمیت و تقدّس خانواده در اسلام از تأکیدهایی که در روایات بر تشکیل خانواده وارد شده، قابل اثبات است. در این حوزه نیز مؤلفه‌هایی چند مورد توجه رهبری است.

#### یک) ازدواج

در مسئله ازدواج، امر نخست، سن ازدواج است. رهبر انقلاب در این زمینه می‌فرمایند: «سنین ازدواج، نه به آن شوری شور باید باشد که بعضی‌ها فکر کردند باید در سنین کاملاً جوانی زودرس باشد...، نه هم به آن بی‌نمکی که غربی‌ها انجام می‌دهند و در سن سی، چهل سالگی ازدواج می‌کنند» (بیانات در دیدار جوانان، ۱۳۷۷/۰۲/۰۷). مسئله دوم، سهولت ازدواج است. ازدواج باید امری آسان باشد، نه امری دشوار، پرهزینه و خارق‌العاده. (همان) امر سوم، لزوم حذف برخی از قید و بندهای باطل در ازدواج است: «اگر ما کاری کنیم که عقد و ازدواج ما از آن چیزهایی که اسلام از آن ازاله کرده، دور و پاک باشد و به آن سنت‌هایی



که اسلام بنیانگذاری کرده است، آراسته و مزین باشد، عقد و ازدواج ما اسلامی خواهد شد و عقد بر اساس رضای پیامبر اسلام(ص) و رهبر عظیم‌الشان بشریت خواهد شد.» (خطبه عقد، ۱۳۷۴/۰۱/۲۲)

«بهترین دخترهای عالم، حضرت زهرا(س) بود. بهترین پسرهای عالم و بهترین دامادها هم حضرت امیرالمؤمنین(ع) بود. ... آنهایی که هم از لحاظ معنوی و الهی آن مقامات را داشتند، هم بزرگان زمان خودشان بودند، ببینید چطوری ازدواج کردند؟ ... همان زمان هم جاهلانی بودند که مهریه دخترانشان بسیار زیاد بود؛ مثلاً هزار شتر. آیا اینها از دختر پیامبر(ص) بالاتر بودند؟ از دختر پیامبر(ص) تقلید کنید» (خطبه عقد، ۱۳۷۵/۰۲/۱۷). ایشان در تبیین معیارهای یک ازدواج خوب می‌فرمایند: «بعضی خیال می‌کنند که تشریفات و توی هتل چینی و چنان رفتن، سالن‌های گران گرفتن، خرج‌های زیادی کردن، عزت و شرف و سربلندی دختر و پسر را زیاد می‌کند. نخیر؛ عزت و شرف و سربلندی دختر و پسر به انسانیت و تقوا و پاکدامنی و بلندنظری آنهاست» (خطبه عقد، ۱۳۷۵/۰۹/۱۸). ایشان درباره لزوم حذف برخی از تشریفات مضر از مسیر ازدواج جوانان می‌فرمایند: «از بعضی‌ها وقتی می‌پرسیم که شما چرا برای دو نفری که می‌خواهند زندگی بکنند، بازار را می‌خواهید خالی کنید که جهیزیه برای خودتان درست کنید؟ می‌گویند: خب ما داریم. چون داریم می‌خواهیم بکنیم. آیا این استدلال کافی است؟ این استدلال غلطی است. در یک جامعه همه جور انسان زندگی می‌کند. شما باید کاری کنید که آن دختری هم که ندارد، اگر خواست شوهر بکند، بتواند.» (خطبه عقد، ۱۳۷۵/۰۸/۰۵).

## دو) روابط خانوادگی

اگر جامعه به افرادش وابسته باشد، افراد نیز به خانواده خویش وابسته‌اند. دانش‌های انسانی امروز به دو دسته دانش‌های مربوط به انسان و دانش‌های مربوط به اجتماع تقسیم می‌شوند. این تقسیم بسیار ناقص است و همه شئون زندگی مادی انسان را در بر نمی‌گیرد؛ چرا که خانواده در آن دیده نشده است. باید گفت که دانش‌های انسانی باید بر سه دسته روان‌شناسی، خانواده‌شناسی و علوم اجتماعی تقسیم شود. این تقسیم‌بندی در دانش فلسفه اسلامی در نظر گرفته شده است که در آن، پس از تقسیم علم به نظری و عملی، دانش عملی را به سه قسم روان‌شناسی(اخلاق)، جامعه‌شناسی(سیاست مدن) و تدبیر منزل تقسیم می‌کنند که متأسفانه علم تدبیر منزل از یادها رفته و روان‌شناسی



بار آن را بر عهده گرفته است. پس اولین گام در این راستا، احیای علم خانواده‌شناسی است تا در این بستر بتوان راهکاری نظام‌مند برای رسیدن به سبک زندگی اسلامی ارائه داد. مقام رهبری می‌فرماید: «آن کشورهایی که در آن خانواده دارد ضایع می‌شود، در واقع پایه‌های مدنیت آنها دارد می‌لرزد و نهایتاً فروخواهد ریخت» (خطبه عقد، ۱۳۷۶/۱۱/۰۹). آنگاه برای رفع این معضل می‌فرماید: «همت مهمتان باید این باشد که واقعاً از کار زن گره‌گشایی کنید؛ یکی از مهم‌ترین گره‌ها در خانواده است.» (بیانات در دیدار اعضای شورای فرهنگی اجتماعی زنان، ۱۳۷۰/۱۰/۰۴). ایشان بر مبنا قرار گرفتن خانواده در همه مسائل کشور تأکید (همان) و به لزوم کیفیت‌بخشی به حضور زنان در خانواده‌ها اشاره می‌کنند و به زنان توصیه می‌فرمایند که خانواده را فدای شغل‌های اجرایی بیرون از خانه نکنند (همان). ایشان برای حل بحران زن در جهان، دو اقدام ضروری را متذکر می‌شوند: نخست درست فهمیدن جایگاه زن در جامعه و دوم، درست فهمیدن جایگاه خانواده (بیانات در دیدار بانوان نخبه، ۱۳۹۰/۰۱/۰۳). «نظر اسلام در باب جایگاه زن در خانواده، خیلی روشن است: المرأه سیّده بیتها» (پاینده، ۱۳۸۵: ۶۱۴؛ متقی هندی، ۱۴۱۹، ج ۶: ۲۲)؛ جایگاه زن در خانواده، همانی است که در گفتارهای گوناگون ائمه (ع) آمده است: «المرأه ریحانه و لیست بقهرمانه» (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱). قهرمان یعنی: کارگزار، پادو، یک خدمتگزار محترم. در داخل خانه، زن قهرمانه نیست؛ گل خانه است ... اینها نظرات اسلام است ... و تحقق خواسته اسلام در خانواده، احتیاج به پشتوانه قانونی و ضمانت اجرایی دارد و این کار باید انجام بگیرد.» (بیانات در دیدار بانوان نخبه، ۱۳۹۰/۰۱/۰۳)

### سه) حد زاد و ولد

مدتی است که در فیلم‌ها، مجموعه‌های ورزشی و غیره در غرب، روی بحث خانواده، فرزند و جمعیت تأکید زیادی می‌شود. مراسم اهدای جام در مسابقات ورزشی و حضور کودکان و فرزندان بازیکنان در زمین، شاید نوعی تبلیغ خانواده‌مداری و سوق دادن شهروندان اروپایی به سمت تشکیل خانواده و تولید مثل است. نگاه جامعه به گروه‌های مرجعی همچون بازیگران سینما، بازیکنان فوتبال، خوانندگان و هنرمندان در غرب، منجر شده است تا سیاستگذاران غربی توجه ویژه‌ای برای نقش‌آفرینی آنها در افزایش جمعیت داشته باشند. یکی از مؤلفه‌های قدرت، جمعیت کشور محسوب می‌شود. رهبر انقلاب با اشاره به ضرورت کثرت جمعیت می‌فرماید: «من معتقدم که کشور ما با



امکاناتی که داریم، می‌تواند ۱۵۰ میلیون نفر جمعیت داشته باشد.» (بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۹۰/۰۵/۱۶). ایشان با تأکید بر لزوم بازنگری در سیاست‌های جمعیتی می‌فرمایند: «در اوایل دهه ۷۰، اجرای این سیاست بنابر مصالحی صحیح بود، اما ادامه آن در سال‌های بعد خطا بود.» (همان). «کشور باید نگذارد که غلبه نسل جوان و نمای زیبای جوانی در کشور از بین برود؛ ... یک زمانی را مشخص کردند و به من نشان دادند که در آن زمان، ما از جمعیت فعلی مان کمتر جمعیت خواهیم داشت. اینها چیزهای خطرناکی است؛ در این سیاست تحدید نسل حتماً بایستی تجدیدنظر شود و کار درستی باید انجام بگیرد.» (بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۹۱/۰۵/۰۳)

#### ۴. مؤلفه‌های سبک زندگی دینی در حوزه خلیقات اجتماعی از دیدگاه

##### رهبری

مقام رهبری، در حوزه فرهنگ زندگی جمعی نیز مؤلفه‌هایی را برای سبک زندگی اسلامی تبیین فرموده‌اند که این مؤلفه‌ها را ذیل دو عنوان انضباط اجتماعی و قانون‌مداری می‌توان گرد آورد.

##### یک) انضباط اجتماعی

در مسئله انضباط اجتماعی، تأکید بر اصلاح رفتارهای غلط اجتماعی، از قبیل فرهنگ نادرست رانندگی، فرهنگ نادرست آپارتمان‌نشینی و ... است (بیانات در دیدار جوانان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳). ایشان با اشاره به تأثیر رفتارهای تک‌تک افراد جامعه در دیگران می‌فرمایند: «آنچه که ما در تحول همراه با پیشرفت، مورد نظرمان است، مبارزه با فقر، تبعیض، بیماری، جهل، ناامنی، بی‌قانونی، مدیریت‌ها را به سطح علمی‌تر ارتقا دادن، انضباط اجتماعی، رشد امنیت و ... است» (بیانات در دیدار دانشگاهیان سمنان، ۱۳۸۵/۰۸/۱۸). ایشان می‌فرمایند: «باید کسانی که منادی و محافظ مسائل فرهنگی هستند، ... برای دمیدن دو روحیه وجدان‌کاری و انضباط اجتماعی در مردم برنامه‌ریزی کنند.» (پیام نوروزی، ۱۳۷۴/۰۱/۰۱)

##### دو) قانون‌مداری

قانون از دیدگاه رهبری، از اغتشاش جلوگیری می‌کند (بیانات در اجتماع مردم قم، ۱۳۷۹/۰۷/۱۴)؛ قالب عملکرد همگان است (بیانات در دیدار دانشجویان قزوین، ۱۳۸۲/۰۹/۲۶) و حتی قانون بد، از بی‌قانونی بهتر است (بیانات در دیدار مردم قم، ۱۳۹۰/۱۰/۱۹). قانون، معیار



و شاخص عدل است (بیانات در دیدار مسئولان قوه قضائیه، ۱۳۸۸/۰۴/۰۷). «توصیه من به همه مسئولان، به همه مراکز قانونگذاری و به همه احاد ملت، رعایت قانون است. اگر ما قانون را رعایت کنیم، دشمن نمی‌تواند به طمع‌ورزی خود ادامه دهد». (بیانات در اجتماع مردم قم، ۱۳۷۹/۰۷/۱۴)

### ۵. مؤلفه‌های سبک زندگی دینی در حوزه کسب و کار از دیدگاه رهبری

یکی دیگر از حوزه‌هایی که در سبک زندگی باید بدان توجه شود، حوزه کسب و کار است. در این حوزه، ایشان بر دو عنصر وجدان کاری و توجه به کار جمعی تأکید فراوان دارند.

#### یک) وجدان کاری

رهبر انقلاب از مسئولان می‌خواهد به مسئله ساعات مفید کار توجه و کار را برای مردم به عنوان یک عبادت ترسیم نمایند (بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۹۰/۰۵/۱۶). ایشان کار را عمل صالح (بیانات در دیدار کارگران و کارآفرینان، ۱۳۸۷/۰۲/۰۴) و وجدان کاری را یک ضرورت قلمداد می‌کنند (دیدار کارگران و معلمان، ۱۳۷۶/۰۲/۱۰) و در بیان علائم تحقق وجدان کاری می‌فرمایند: «اگر تولید در زمینه اقتصادی زیاد شده باشد؛ کارهای اجتماعی، اداری و اقتصادی، روان‌تر و آسان‌تر شده؛ اجناس مورد استفاده مردم فراوان‌تر باشد، نشانه آن است که وجدان کاری در جامعه ما بیدار شده است». (پیام نوروزی، ۱۳۷۴/۰۱/۰۱)

#### دو) توجه به کار جمعی

اسلام، مسلمانان را به تعاون و همکاری فرا می‌خواند (مائده: ۵). کارشناسان علوم اجتماعی بر این باورند که مهم‌ترین عامل توسعه در هر کشوری، ابزار، فناوری و پول نیست، بلکه نیروی انسانی است که اتحاد و همکاری این نیروها می‌تواند موانع پیشرفت و آبادانی را سریع‌تر و با زحمت کمتری از سر راه بردارد. رهبر انقلاب بی‌توجهی به کار جمعی را یکی از عیوب ملت ایران می‌داند (بیانات در دیدار وزیر علوم و استادان دانشگاه تهران، ۱۳۸۸/۱۱/۱۳). «کار جمعی، تعاون و همکاری با یکدیگر و همت بلند است. کودکان و همچنین جوانان را از آغاز عادت بدهیم که با همت بلند نگاه کنند». (بیانات در دیدار معلمان و اساتید دانشگاه‌های خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۰۷/۲۰)

#### د) خلاصه و نتیجه

از آنچه گفته شد، مطالب ذیل را به عنوان خلاصه و نتیجه می‌توان برداشت کرد:  
- سبک زندگی از دیدگاه مقام رهبری، همان عقل معاش است که نرم‌افزار تمدن



اسلامی است.

- مؤلفه‌های تأثیرگذار در سبک زندگی اسلامی، از دیدگاه رهبر انقلاب در پنج حوزه فکر و اندیشه، خلیات فردی، خانواده، خلیات اجتماعی و کسب و کار دسته‌بندی می‌شود.

- در حوزه فکر و اندیشه، مؤلفه‌هایی مثل ایمان، علم و آگاهی، پرهیز از تقلید، توجه به نمادهای دینی و توجه به ارزش‌های فرهنگی و تاریخی باید مورد توجه قرار گیرند.

- در حوزه خلیات فردی، مؤلفه‌هایی مثل لباس و پوشش، خوراک و آشپزی، سفر و تفریح و الگوی مصرف باید اصلاح شوند.

- در حوزه خانواده، مؤلفه‌هایی مثل سبک ازدواج، سبک روابط اجتماعی در درون خانواده و سبک تولید مثل باید اصلاحات جدی را به خود ببیند.

- در حوزه خلیات اجتماعی، به مؤلفه‌هایی مثل انضباط اجتماعی و قانون‌مداری باید توجه کرد.

- در حوزه کسب و کار نیز به دو عامل وجدان کاری و روحیه کار جمعی باید توجه جدی داشت.

## منابع

- قرآن کریم.

- نهج البلاغه، تحقیق: سیدهاشم میلانی (۱۴۲۳ ق). نجف اشرف: العتبه المقدسه العلویه.

- آجیلی، هادی و مهدی بیگی (۱۳۹۲). «کالبدشکافی سبک زندگی در جامعه سرمایه‌داری». فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، سال چهارم، ش ۱۳: ۱۱۰-۸۱.

- باکاک، روبرت (۱۳۸۱). مصرف. ترجمه خسرو صبری. تهران: شیرازه.

- باینگانی، بهمن؛ فهیم ایران‌دوست و سینا احمدی (۱۳۹۲). «سبک زندگی از منظر جامعه‌شناسی؛ مقدمه‌ای بر شناخت و واکاوی مفهوم سبک زندگی». مهندسی فرهنگی، ش ۷۷: ۷۴-۵۶.

- پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری؛ به نشانی: [www.khamenei.ir](http://www.khamenei.ir)

- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۵). رهگشای انسانیت «نهج الفصاحه». ترجمه ابراهیم احمدیان. قم: گلستان ادب.

توسلی، غلام‌عباس (۱۳۷۳). نظریه‌های جامعه‌شناسی. تهران: سمت، چ چهارم.

- شایگان، داریوش (۱۳۸۴). افسون‌زدگی جدید؛ هویت چهل تکه و تفکر سیار. ترجمه فاطمه ولیانی. تهران: فروزان، چ چهارم.

- شریعتی، سید صدرالدین (۱۳۹۲). «درآمدی بر سبک زندگی اسلامی در آیات و روایات». فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ش ۱۳: ۱۰-۱.

- شریفی، احمدحسین و همکاران(۱۳۹۱). اخلاق و سبک زندگی اسلامی. قم: دفتر نشر معارف.
- صفار هرنندی، سجاد(۱۳۸۹). «سبک زندگی چند سال دارد؟ تاریخچه تولد مفهوم سبک زندگی در علوم اجتماعی». سوره اندیشه، ش ۴۶: ۶۱-۶۰.
- فاضل قانع، حمید(۱۳۹۱). «درآمدی بر سبک زندگی اسلامی». مطالعات اجتماعی و رسانه، ش ۲: ۳۴-۹.
- فاضلی، محمد(۱۳۸۲). مصرف و سبک زندگی. قم: صبح صادق.
- گیدنز، آنتونی(۱۳۸۷). تجدد و تشخیص. ترجمه ناصر موفقیان. تهران: نی.
- متقی هندی(۱۴۱۹ق). کنزالعمال. تحقیق محمود عمر الدمیاطی. بیروت: بی‌نا.
- مهدوی کنی، محمدسعید(۱۳۸۷). دین و سبک زندگی. تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
- مهدی‌زاده، حسین(۱۳۹۰). «... و سبک زندگی». نشریه سوره اندیشه، ش ۵۰: ۵۹-۵۷.
- هادوی، اصغر(۱۳۹۱). «آغاز سبک زندگی اسلامی از خراسان شمالی». پاسدار اسلام، ش ۳۷۲: ۴۳-۴۲.

